

اسلام نظراف<sup>۱</sup>

دریای خزر، پدیده‌ای منحصر به فرد، یادگار تاریخی، قدیمی‌ترین دریاچه کره زمین می‌باشد. دریای خزر و منطقه مجاور آن یکی از اهرمهای تمدن در سیاره ماست و این منطقه متناسب با تاریخ بشریت توسعه یافته است.

ویژگی‌های طبیعی-جغرافیایی منطقه خزر موجب شکل‌گیری دریای خزر در تاریخ و سیاست جهان شده است. اگر در زمینه تاریخی تحقیق شود، همانا روند دوره‌ای توسعه تاریخی-سیاسی منطقه ممکن است به قدیم و قدیم‌تر، جدید و جدیدتر و دوره کنونی تقسیم شود. در این راستا مقتضی است ویژگی و اهمیت هر دوره را به خوبی شناخت و لازمه این کار بهره‌برداری و استفاده از درسهای پُرازش گذشته است. همه با این امر موافق هستند که برای توسعه پایدار و امنیت اکولوژی منطقه خزر، همکاری تنگاتنگ کشورهای ساحلی چون: جمهوری آذربایجان، ایران، قزاقستان، روسیه و ترکمنستان ضروری است.

تغییرات حاصله در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای شوروی سابق، نگرش جدیدی نسبت به حل مشکلات اساسی می‌طلبد. این مشکلات باشدت و

۱. آقای اسلام نظراف از محققان جمهوری آذربایجان است که در هشتمین سمینار بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز این مطالب را ارائه کرد.

ضعف در هریک از کشورهای ساحلی وجود دارد و این ضربالمثل تصادفی نیست که می‌گویند: بچه کمتر مشکلات کمتر، بچه بیشتر مشکلات بیشتر. هریک از کشورهای منطقه چه بزرگ و چه کوچک یک بچه بزرگ مرخص دارند و آن دریای خزر است که هریک از ما باید در درمان آن بکوشیم.

همه ما بخوبی تاریخ را می‌شناسیم. ولی آیا از درسهای گذشتگان برای خود بهره‌برداری کرده‌ایم؟ من فکر می‌کنم خیر. برای استفاده از درسهای گذشتگان در زمان حال و بهره‌برداری از تجربیات مثبت نسلهای گذشته، لازم است تمایلات و چشم‌اندازهای توسعه روند سیاسی - تاریخی و اجتماعی - نژادی در این منطقه دقیقاً تعیین و مشخص گردد.

به‌عنوان یک جامعه‌شناس تنها می‌توانم خاطر نشان سازم که پیچیدگی و ابعاد تحقیقات جهانی منحصر به فرد در زمینه دریای خزر، بزرگترین دریاچه کره زمین، نیازمند اجرای تحقیقات علمی دقیق در زمینه‌های مختلف، بررسی و تجزیه و تحلیل سیستم‌های جداگانه و به‌کارگیری نگرش کلی نسبت به حل مشکلات مربوط به آن است. گرچه برای تشخیص مشکل خزر و منطقه، تحقیقات زیادی حتی تحقیقات کیهانی صورت گرفته و چندین تن کاغذ در این زمینه نوشته شده، ولی ضرورت هماهنگی بیشتر اقدامات در این مورد بیش از پیش احساس می‌شود. خلاصه باید گفت: تشکیل ارگان جدید بین‌المللی در خصوص دریای خزر که ارائه دهنده همه عملیات در منطقه خزر باشد لازم و ضروری است و این موضوع و مشکل باید از طریق سیاست و دیپلماسی حل گردد نه از طریق علمی.

علاوه بر این، در راه توسعه پایدار و تأمین امنیت اکولوژی منطقه موانع جدی وجود دارد. به عقیده من مهمترین آنها عبارتند از:

- اختلافات نژادی و بحرانیها (چچن و قره‌باغ)

- نامشخص بودن وضعیت حقوقی در رابطه با تقسیم دریای خزر به بخشهای جداگانه

- عدم توجه به درک مشکلات منطقه از سوی ارگانهای بین‌المللی (فقدان هرگونه بیانیه و اسناد بین‌المللی در زمینه خزر).

- دوری مردم ساحلی از اتخاذ تصمیم در زمینه بهره‌برداری از منابع دریا و ذخایر زمینی آن (به استثنای سطح بسیار پایین رفاه اجتماعی - اقتصادی، عدم درآمد از دریا و منابع آن توسط ساکنین خطوط مرزی).

- پدیده‌های تکنولوژی و پیدایش فاجعه‌های اکولوژی (کشته شدن سگهای دریایی در سواحل قزاقستان) و غیره.

به دلیل اینکه هیچ‌یک از طرفین به دلخواه به جنگ کشیده نشده‌اند و به تنهایی قادر به حل روند ایجاد شده و مشکلات اکولوژی دریای خزر و توسعه پایدار صلح در منطقه نیستند، لذا صدور کنوانسیون بین‌المللی در زمینه دریای خزر یا هر سند بین‌المللی دیگری که رعایت آن برای همه به‌ویژه کشورهای ساحلی الزامی و اجباری باشد، ضروری و مبرم است. اینگونه اسناد در کارهای علمی، مقالات و کارهای محققان محترم به کار برده شده است. برای نمونه می‌توان از آقای دکتر افشین دانه‌کار از ایران یا دکتر شاهین پاناخف از آذربایجان نام برد، البته محققان دیگری از کشورهای مختلف وجود دارند که سالهاست روی مشکل منطقه ما و اکولوژی دریای خزر کار می‌کنند.

ضمناً من از دکتر شاهین پاناخف شنیدم که ۲۰ سال پیش کنفرانسی در مسکو در انستیتو جغرافیای آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در زمینه دریاچه آرال برگزار شد. یکی از سخنرانان گفت که بحث در مورد چیزی دارد صورت می‌گیرد که دیگر وجود ندارد. در آن زمان، این دانشمندان، که من متأسفانه اسم او را نمی‌دانم، افراطی خوانده شد. ولی زمان نشان داد که ایشان در آن وقت حقیقت را گفته بودند. ما به خاطر داریم که کنفرانسهای زیادی در رابطه با آرال تشکیل شد. ولی امروز این دریا دیگر وجود ندارد. دریای آرال «برادر کوچک» خزر بود. البته طبق

بررسی‌هایی چنین سرنوشتی خزر را تهدید نمی‌کند. ولی کسی چه می‌داند؟ چه کسی می‌داند که ۱۰ سال یا ۲۰ سال دیگر در رابطه با دریای خزر چه اتفاقی می‌افتد؟ البته امیدواریم که «خزر پیر» دچار سرنوشت غم‌انگیز آرال نشود. این درسهایی است که ما باید از گذشتگان بگیریم و در کنفرانسهای کنونی شعارهای مشابهی ندهیم. در پایان یادآور می‌شوم که نجات دریای خزر و حفظ اکولوژی آن وظیفه همه ماست، برای دسترسی به این کار شرایط و موجبات فراهم است. من به نوبه خود پیشنهاد می‌کنم برای حل مسایل مطرح شده در کنفرانس، مردم و ارگانهای غیردولتی کشورهای ساحلی را جذب کنیم.

تنها در جمهوری آذربایجان بیش از ۳۳۰ ارگان غیردولتی در زمینه‌های علمی، اقتصادی، محیط‌زیست، حقوق بشر، حل اختلافات، مهاجرت و غیره، فعالیت دارند. من فکر می‌کنم پتانسیلهای زیادی در سایر کشورها وجود دارد. با تغییر رابطه با مسایل میرم و با تغییر آگاهی اجتماعی، به‌طور حتم، محیط زیست تغییر می‌کند و در این مورد اتحادیه‌های اجتماعی کشورهای ساحلی دریای خزر باید نقش کاتالیزور آگاهی اجتماعی را ایفا نمایند. در کشورهای ما تک تک افراد باید اهمیت و نقش دریای خزر را ابتدا برای خود، خانه، خانواده خود و سپس برای محیط زیست، برای اجتماع و جهان به‌طور کلی درک و تبیین کنند. در این مورد، به عقیده من دریای خزر همه چیز را جدای از رنگ، پوست، مذهب، وابستگی‌های ملیتی، موقعیت اجتماعی و تمایلات سیاسی به خود جذب می‌کند.

ترجمه پروین معظمی‌گودرزی